



این هوش به فرد دید کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می دهد و او را قادر می سازد به چارچوب بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته تا بتواند شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد.



برای رسیدن به موفقیت در زندگی، لازم نیست که افراد فقط دارای هوش عمومی بالایی باشند. بلکه هوش هیجانی و هوش معنوی بالا لازم می باشد؛ به ویژه، داشتن نمره هوش

معنوی بالا سبب می شود افراد از حد جسم و ماده فراتر رفته، حالات اوج هوشیاری را تجربه کنند. پژوهش های بی شماری، **رابطه ی مثبت بین معنویت و موفقیت** را تأیید نموده اند. نتایج این پژوهش ها حاکی از آن است که ارزش های معنوی نه تنها به بهبود کیفیت زندگی کاری کارکنان می انجامد بلکه این توانایی بالقوه را دارند که کارایی کل سازمان را ارتقا بخشند.

کینگ^۲ هوش معنوی را به عنوان مجموعه ظرفیت های روانی که با آگاهی، انسجام و کاربرد جنبه های متعالی و معنوی (غیر مادی) وجود فرد سرو کار دارند، تعریف می کند که به پیامدهایی همچون بازتاب عمیق وجودی، افزایش معنا، بازشناسی خود متعالی و تسلط ویژگی های معنوی می انجامد. او چهار مولفه اصلی تشکیل دهنده هوش معنوی را **تفکر وجودی انتقادی^۳، خلق معنای شخصی^۴، آگاهی متعالی^۵ و توسعه حالت آگاهی^۶** می داند.

² King

³ Critical existential thinking

⁴ Personal meaning production

⁵ Transcendental awareness

⁶ Conscious state expansion

آیا هوش معنوی می تواند

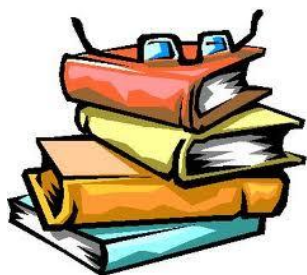
توانمندی تدریس را ارتقاء دهد؟!

دکتر حسین کریمی موفقی، مریم اکبری لاکه، دکتر عباس مکارم، دکتر حبیب ا... اسماعیلی، دکتر مهدی ابراهیمی، دکتر احمد عاشوری و حکیمه سابقی

دفتر توسعه آموزش علوم پزشکی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

درسالهای اخیر علاقه فزاینده ای به کاربرد معنویت در عملکرد سازمان به وجود آمده است. با نگاهی اجمالی از دوران افلاطون تا امروز، انواع هوش مطرح شده است و اخیراً هوش معنوی. در چند سال اخیر تمایلی برای ادغام دو سازه هوش و معنویت در یک سازه واحد تحت عنوان هوش معنوی به وجود آمده است. امونز^۱ هوش معنوی را این گونه تعریف می کند **"چهارچوبی برای شناسایی و سازماندهی مهارتها و توانایی های مورد نیاز برای درک عمیق سوالات حیاتی و بینشی برای سطوح چندگانه آگاهی"**. هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی می گردد و همین مسأله پاسخ به سؤالاتی همچون **"من کیستم؟"**، **"چرا اینجا هستم؟"** و **"چه چیزی مهم است؟"** را برای انسان روشن می سازد.

¹ Emmons



در تحقیقی که کریمی و همکاران (۱۳۸۹) در دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام دادند مشخص گردید که افراد دارای هوش معنوی بالا به طور معنا داری از توانمندی تدریس بیشتری برخوردار هستند.

لذا تقویت هوش معنوی موجبات ارتقای توانمندیهای تدریس را فراهم می نماید. به دلیل نقش کلیدی اعضای هیات علمی در سیستم آموزشی با تجدید نظر در برنامه ها و سیاستهای آموزشی می توان به ارتقای هوش معنوی و توانمندیهای مدرسان پرداخت. به نظر می رسد **تقویت هوش معنوی با برنامه های اصولی مسیر میانبری برای ارتقای نظامهای آموزشی از جمله دانشگاههاست.**

منبع برای مطالعه بیشتر:

- کریمی و همکاران، ارتباط هوش معنوی با توانمندی تدریس در اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۹۰

تجربه نشان می دهد که با وجود برخورداری فارغ التحصیلان از مبنای علمی و نظری کافی، این افراد در محیط کار از کارایی و مهارت کافی برخوردار نیستند و عدم توانایی فارغ التحصیلان در مواردی مثل به کارگیری مسائل نظری در عمل، مشکل گشایی، انجام مهارت های مربوط به حیطه روانی حرکتی دیده شده است. شاید بررسی توانمندیهای مدرسان و شناخت عوامل مرتبط با این توانمندیها از جمله هوش معنوی؛ مدیران آموزشی را به راه حل این معما که چرا فارغ التحصیلان در بکارگیری مسائل نظری در عمل مشکل دارند، برساند.

ذهن انسان دارای گروهی از توانایی ها و استعدادها است که وی را قادر به حل مسئله می سازد. اگرچه هوش عقلانی فرد نقش به سزایی در کمک به فرد در حل مسائل دارد اما تحقیقات نشان داده است که قلمروهایی ویژه در لوب گیجگاهی^۷ که به تفسیر و تعبیر ارزشهای معنوی می پردازند، نقش مهمی در حل مسائل روزمره فردی دارند که تحت عنوان هوش معنوی خطاب می شود و در نتیجه فرد را چه در مهارتها و چه ارتباط با دیگران و اخلاق حرفه ای یاری خواهند نمود. شاید برای ارتقای توانمندیهای مدرسان، در کنار بسیاری از آموزشها، ارتقای هوش معنوی تاثیرگذار باشد.



Email: nms.edo@mums.ac.ir

Web:

http://www.mums.ac.ir/nurse/fa/EDO_main



⁷ Temporal lobe